

شرحي بر مطالب ماهنامه «اندیشه پويا» درباره مصدق



کوروش احمدی

دبیلمات پیشین

چند سالی است که حمله به مصدق به تم اصلی کار طیفی در داخل تبدیل شده است. برخی بر آن هستند که این بخشی از یک پروژه است و برخورد یکسره همدلانه و سخاوتمدانه با دیگر چهره‌های هم‌دوره را شاهد می‌آورند. بنای من نه بر نیت‌خوانی است و نه بر حساسیت نسبت به این یا آن شخص؛ اصل این است که تاریخ‌پژوهی نباید تخته‌بند سیاست روز، پروژه‌های سیاسی و علایق ایدئولوژیک باشد، بلکه باید بر پایه واقعیات عینی، اسناد معتبر و غیرگزینشی و تحلیل منطقی و انتقادی انجام شود. در غیر این صورت، حاصلی جز روایت‌سازی و ارائه پیوستی برای تبلیغ سیاست و ایدئولوژی مطلوب اشخاص نخواهد داشت. آن که مستند، مستدل، روش‌مند و منصفانه می‌نویسد، هرچه بنویسد، له و علیه هر کس بنویسد، ارزنده و پسندیده است. ماهنامه وزین «اندیشه پویا» بخش عمده‌ای از مطالب شماره ۹۸ خود را به مصدق اختصاص داده است. محتوای برخی مطالب این شماره مختصر بهره‌ای از ملاک‌های پیش‌گفته دارد، اما برخی دیگر چنین نیستند و از نقادی مبتنی بر واقعیات عینی و تحلیل تاریخی فاصله دارند. ضمن اینکه ست‌روزنامه‌نگاری مستقل ایجاب می‌کند که موضوع از همه دیدگاه‌ها کاویده شود. البته «اندیشه پویا» نیز مانند هر پلتفرمی می‌تواند ختمشنی خاص خود را داشته باشد و در پیشبرد آن بکوشد؛ مشروط بر اینکه نقد مخالف بر مبنای واقعیات عینی و به دور از تحریف باشد.

مقاله اصلی این شماره که به قلم جناب رضا خجسته‌رحیمی است، از جهاتی منصفانه است. ازجمله اینکه ایشان شک ندارند که «ملی‌کردن نفت حق مسلم ایرانیان بود و طرف مقابل حق ایرانیان را در مذاکره نادیده می‌گرفت... و کودتا را جایگزین مذاکره کرد».

یادداشت

قاهره: آزمون آخر



حامد نقی‌لو

کارشناس سیاست خارجی

در لحظه‌ای که مسیرهای رسمی گفت‌وگو میان ایران و آمریکا دچار فرسایش شده‌اند و کانال‌های ارتباطی مستقیم به بن‌بست رسیده‌اند، مصر وارد شده است؛ نه به‌عنوان یک واسطه نمادین، بلکه به‌عنوان آخرین میانجی‌ای که سابقه، ظرفیت و بی‌طرفی لازم برای بازسازی مسیر دیپلماسی را دارد. این نقش، نه حاصل ابتکار فردی یا موقتی، بلکه ادامه یک مسیر دیپلماتیک تثبیت‌شده است که ریشه در تجربه‌های فنی و چندجانبه مصر در پرورده‌های هسته‌ای دارد. اکنون، در سال ۱۴۰۴، قاهره با فعال‌سازی ظرفیت‌های خود در سطح فنی و سیاسی، در حال ایفای نقشی است که می‌تواند مسیر گفت‌وگو میان تهران و واشنگتن را بازسازی کند یا برای همیشه ببندد. سابقه مصر در پرورده ایران، به دوره ریاست محمد البرادعی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازمی‌گردد؛ زمانی که قاهره توانست بی‌طرفی، اعتبار فنی و توان دیپلماتیک خود را تثبیت کند. در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸، البرادعی در حساس‌ترین مرحله بررسی برنامه هسته‌ای ایران، موضعی متوازن و مبتنی بر راستی‌آزمایی اتخاذ کرد که هم در تهران پذیرفته شد و هم در واشنگتن قابل مذاکره بود. این تجربه، مصر را به کشوری با ظرفیت مدیریت بحران‌های هسته‌ای تبدیل کرد؛ ظرفیتی که اکنون در قالب نقش عملیاتی قاهره در مذاکرات ۱۴۰۴ فعال شده است.

در هفته‌های اخیر، قاهره میزبان تماس‌های فشرده میان تهران، واشنگتن، سه کشور اروپایی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بوده است. هدف این تماس‌ها، نه صرفاً تبادل دیدگاه، بلکه طراحی چارچوبی برای گفت‌وگو است؛ چارچوبی که شامل مراحل فنی، سازوکارهای نظارتی و مدیریت تنش‌های موازی باشد. این چارچوب، اگر تثبیت شود، می‌تواند مسیر گفت‌وگو را از بن‌بست خارج کند؛ اما اگر شکست بخورد، نه‌تنها نقش مصر تضعیف خواهد شد، بلکه کل سازوکار دیپلماسی در پرورده ایران و آمریکا فرو خواهد ریخت.



سه‌شنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۴
۲۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷
۲۱ اکتبر ۲۰۲۵
سال بیست و دوم
شماره ۵۲۳۴
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

در «شرق» امروز می‌خوانید: جنبش نه به پادشاهان، جوش و خروش را به خیابان‌های آمریکا آورد؛ دموکراسی زخمی آمریکا • گفت‌وگو با تکین آغداشلو: احمدرضا احمدی در نقاشی هم شاعر است

بقایي، سخنگوی وزارت خارجه خبر داد:

تماس‌های باواسطه بین ایران و آمریکا

گزارش تیتربیک را در صفحه ۲ بخوانید

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان، اهداف سفر مشاور امنیت ملی عراق به تهران را واکاوی می‌کند

سفری برای توازن

لاریجانی در پاسخ به «شرق»: در حال تقویت نیروهای مسلح هستیم



این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید:عکس:عکس‌وفا/ایرنا

یادداشت

تأخیر در راه‌اندازی یک سازمان و فرصتی که می‌سوزد



محمد چکینی

معادل نفت خام در سال در اقتصادش به کار گرفته است. ترکیه، برای هر هزار دلار تولید ناخالص داخلی (ppp) برابر ۰.۳۳، بشکه معادل نفت خام در سال در اقتصادش به کار گرفته است. به‌وضوح بهره‌وری پایین انرژی در ایران و پتانسیل عظیم بهینه‌سازی و صرفه‌جویی انرژی مشاهده می‌شود. با توجه به مدل ترکیه، پتانسیل صرفه‌جویی در اقتصاد ایران بیش از هفت میلیون بشکه معادل نفت خام

یادداشت

ترس رئیس‌جمهور، نشانه آگاهی است نه ضعف

بازخوانی سخنان اخیر رئیس‌جمهور درباره ترس از اختلافات داخلی



امیر ستاری

وقتی دکتر مسعود پزشکیان گفت «من از دشمن خارجی نمی‌ترسم، آن را می‌توان شناخت و مهار کرد؛ از اختلاف داخلی می‌ترسم»، در واقع پرده از یکی از عمیق‌ترین زخم‌های سیاست ایرانی برداشت؛ زخمی که نه در خیابان‌ها، بلکه در سطوح مدیریتی ریشه دارد. سخن او نشان می‌دهد مسئله اصلی کشور دیگر بیرونی نیست؛ در چگونگی توزیع و تمرکز قدرت نهفته است.

پرسش اینجاست: این اختلاف داخلی که رئیس‌جمهور از آن بیم دارد، از جامعه برمی‌خیزد یا از ساختار مدیریتی که پیش از حد در دستان اقلیتی محدود متمرکز شده است؟ در ادبیات سیاست‌گذاری، تهدید خارجی معمولاً با ابزارهای بازدارندگی یا دیپلماسی مهار می‌شود، اما تهدید درونی از نوع شکاف، پیچیده‌تر است؛ زیرا عاملانش همان کسانی هستند که باید حلش کنند. تمرکز تصمیم در حلقه‌ای محدود، نه‌فقط بازخورد اجتماعی را قطع می‌کند، بلکه هر اصلاحی را نیز معکوس می‌کند. از این منظر، اختلاف در ایران صرفاً مسئله اخلاقی نیست؛ مسئله‌ای نهادی و ساختاری است که ریشه در برخی نابرابری‌ها دارد.

جامعه چندصدا، سیاست تک‌صدا

در ذات خود، جامعه ایرانی چندصداست. این تنوع، اگر در سازوکار قدرت بازتاب یابد، به سرمایه اجتماعی بدل می‌شود. پزشکیان، برخاسته از حاشیه‌های همین جامعه است؛ کسی که درد «دیگری بودن» را چشیده و به همین دلیل از اختلاف می‌ترسد. اما ترس او از مردم نیست، از جریاناتی است که به‌جای بازتاب جامعه، در برابر آن ایستاده است. چندصدایی، اگر در سیاست بازنمایی شود، می‌تواند به یادگیری جمعی و تصمیم‌های دقیق‌تر منجر شود. اما

در ایران، ضعف نهادهای نمایندگی – احزاب، شوراها و رسانه‌های آزاد – باعث می‌شود تنوع اجتماعی به تقابل‌های هویتی بدل شود. در غیاب گفت‌وگوی نهادمند، «دیگری» نه شریک، بلکه دشمن تصور می‌شود. از این‌رو، منشأ اختلاف نه در مردم، بلکه در شیوه‌ای است که با این چندصدایی برخورد می‌شود. پزشکیان اگر بخواهد میانجی واقعی شود، باید از این تنوع به‌عنوان منبع سیاست‌گذاری بهره بگیرد، نه تهدید نظم.

اقلیت و توهم وفاق

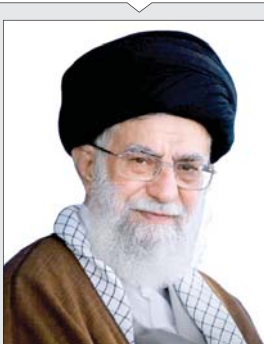
وفاق ملی زمانی معنا دارد که گروه‌های مختلف احساس کنند در تصمیم‌سازی سهم دارند. اما در سال‌های اخیر، واژه «وفاق» به نوعی تک‌صدایی در پوشش وحدت تبدیل شده است. در چنین فضایی، مخالفت به‌جای آنکه فرصتی برای رشد باشد، به تهدیدی علیه نظم تعبیر می‌شود. اگرچه پزشکیان از «دولت وفاق» سخن گفت، ولی جریانی در ایران همچنان بر محور اقلیت تصمیم‌گیر و اکثریت تابع می‌چرخد. تا زمانی که حلقه تصمیم‌سازی محدود است، اختلاف نه از جامعه، بلکه از درون همان حلقه زاده می‌شود. وفاق دو چهره دارد؛ یکی وفاق

در روز است که می‌تواند تمام مشکلات اقتصادی کشور را برطرف کند. هر روز تأخیر رئیس‌جمهور در راه‌اندازی سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی با اختیارات کامل و اجرایی‌کردن اقدامات لازم در افزایش بهره‌وری انرژی، از دست دادن هفت میلیون بشکه معادل نفت خام در روز است (اگر متناسب با ترکیه در نظر بگیریم، ۹.۵ میلیون بشکه پتانسیل بهینه‌سازی وجود دارد). این انرژی در روی زمین و در دسترس است، بدون نیاز به استخراج از دل زمین و چالش‌های آن. اگر حتی دو میلیون بشکه از پتانسیل صرفه‌جویی فوق کم کنیم و پنج میلیون بشکه در روز را به قیمت هر بشکه ۳۰ دلار در نظر بگیریم، درآمد سالانه آن بیش از ۵۴ میلیارد دلار در سال خواهد بود (متناسب با GDP ترکیه این عدد به ۸۲ میلیارد دلار می‌رسد). ثروت هست، ولی به حکمرانی صحیح در ساختارها و فرایندها نیاز دارد؛ زیرا اجرایی‌شدن بهنگام و پایداری‌سازی راه‌حل‌ها موقوف به اصلاح آن است. فاعلتیرو یا اولی الایصار، والسلام.

تحمیلی که همه را به تبعیت از یک روایت فرا می‌خواند و دیگری وفاق مشارکتی که به اختلاف به‌عنوان عنصر پویایی نگاه می‌کند. آنچه امروز در ایران غالب شده، نوعی وفاق نمایشی است؛ حذف اختلاف به نام وحدت. وقتی مخالفت جرم‌انگاری می‌شود، شکاف به زیر پوست جامعه می‌رود و در بزنگاه‌ها فوران می‌کند. سیاست باید حق اختلاف را قانونی کند تا وفاق از شعار به ساختار تبدیل شود. دولت وفاق یا دولت اقلیت؟

در یک سال گذشته، دولت پزشکیان کوشیده چهره‌ای متعادل از خود نشان دهد؛ وزاری در گرایش‌های گوناگون، مشاورانی از طیف‌های مختلف. اما در عمل، بسیاری از تصمیم‌ها در سطحی بسیار محدود و مخفلی اتخاذ می‌شود. این وضعیت باعث شده است دولت، به‌رغم شعار وفاق، به دولت اقلیت در ظاهر وفاق‌طلب بدل شود. وفاق واقعی نه با تقسیم پست‌ها، بلکه با توزیع قدرت و اعتماد شکل می‌گیرد. وقتی ساختار سیاسی تنها به «وفاق در انتصابات» بسنده کند، اختلاف‌ها نه کاهش می‌یابند و نه ناپدید می‌شوند، بلکه فقط شکل پنهان‌تری به خود می‌گیرند. داشتن چهره‌های متنوع در دولت الزاماً به معنای مشارکت نیست؛ مشارکت واقعی یعنی حق نقد، حق رای و دسترسی به اطلاعات. انتصابات نه‌فقط چنین اداری بلکه «پیام سیاسی» هستند. اگر این پیام بر بده‌بستان‌های مخفلی بنا نشود، جامعه یاد می‌گیرد که وفاداری از شایستگی مهم‌تر است. آن‌گاه وفاق به زبان سهم‌خواهی ترجمه می‌شود و مشروعیت سیاسی فرسایش می‌یابد. برای خروج از این چرخه، دولت باید معیارهای انتصاب و ارزیابی را عمومی کند تا شفافیت، جایگزین مصلحت‌های مخفلی شود. **اختلافات ساختاری، نه اجتماعی**

نظام تصمیم‌گیری ایران به‌گونه‌ای طراحی شده است که حتی اگر جامعه به تفاهم برسد، نهادهای گوناگون درون خود دیگر رقابت پنهان هستند. شکاف میان مجلس، دولت و نیروهای رسانه‌ای وابسته به جریان‌های گوناگون، همه نشان از اختلافی دارند که از بالا می‌جوشد و به پایین سرریز می‌کند. در چنین شرایطی، وقتی رئیس‌جمهور از اختلاف داخلی می‌ترسد، درواقع از نبود اعتماد متقابل میان دستگاه‌ها سخن می‌گوید؛ اختلافی که جامعه آن را بازتاب می‌دهد.



رهبرانقلاب در دیدار با مدال آوران ورزشی وعلمی تأکید کردند:

جوان ایرانی؛ مظهر امید

برگزیده‌ها

پژوهشی درباره دلایل بروز بحران آب پایتخت که به وضعیت هشداردهنده رسیده است

تهران؛ قربانی توسعه بی‌انضباط

۴

برانکو پاسخ منفی داد، اوسمار مذاکره کرد

دو بازی فرصت به هاشمیان

۹

درخواست صنفی کانون کارگردانان از سازمان سینمایی

فیلم‌ها بدون بررسی و ممیزی ساخته شود

۱۲

«شرق» از پرداختی‌های غیررسمی و اجباری مادران باردار برای تولد جنین گزارش می‌دهد

گروکشی زایمان

۱۰



گفت‌وگو با کاوه میرعباسی درباره ژانرهای ادبی و هنری

دیالکتیک ژانرها

۶

یادداشت

گذر از «فرونشست سپهر عمومی»



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

«استراگون: کاری نمی‌شود کرد./ ولادیمیر: من هم دارم به همین نتیجه می‌رسم. تمام عمرم سعی کرده‌ام این فکر را از خودم دور کنم، به خودم گفته‌ام حرف حساب را گوش کن ولادیمیر، تو که هنوز همه چیز را امتحان نکرده‌ای. باز شروع کرده‌ام به تفلاکردن» (در انتظار کودو). برجام تمام شد. در نگاه رسمی و بخشی از نیروهای درون و بیرون حاکمیت، این پایان به فال نیک گرفته شد و پایان یک تجربه تلخ؛ «۶ مهر ۱۴۰۴ روزی است... به‌عنوان پایان رسمی یک تجربه تلخ و پرهزینه... تجربه‌ای که به مدت ۱۰ سال از عمر ملت ایران هزینه گرفت» (کیهان – ۱۴۰۴/۷/۲۶). در نگاه گروهی دیگر که از متبکران و مجریان این توافق‌نامه بودند و اکنون کمتر جایی درون ساختار قدرت دارند، هرچند شاید دست بالا را در جامعه داشته باشند نیز پایان برجام، پایانی تلخ و دردناک است، اما نه از منظر گروه اول، بلکه دردناک و تلخ به منزله نهایی بارآزور که اجازه رشد و بالندگی به آن داده نشد و خشکانده شد.

بازگشت همه به سوی اوست

خانواده محترم پیریایی

درگذشت برادر عزیز و دوست قدیمی مرحوم کرم‌رضا پیریایی

موجب تأسف و تأثر شد. او معلمی دلسوز و دوستی وفادار بود

که خلأ وجودش محسوس است. این مصیبت را به خانواده

محترم و دوستان و آشنایان تسلیت می‌گوییم و از خدای

سبحان برای عزیز تازه‌درگذشته رحمت و مغفرت و برای

بازماندگان صبر و اجر خواهیم.

سیدمرتضی مبلخ، سیدمحمود حسینی

محمدهاشم مهیمنی، حجت‌اله میرزایی

مهدی رحمانیان

۳۳

ادامه‌در صفحه ۵

۳۳

ادامه‌در صفحه ۸